

## سرمایه داری: ریشه ناسیونالیسم و راسیسم

طی ماههای گذشته شهرهای شمالی انگلیس Burnly, Oldham, Brandford صحنه زدو خورد میان مهاجرین و دست راستی های انگلیس بود. در جریان این درگیریها که تا چند روز ادامه داشت بسیاری زخمی و تعداد بیشماری دستگیر شدند. این درگیریها زمانی اتفاق افتاد که پلیس به جریان دست راستی حزب ناسیونالیست بریتانیا اجازه راهپیمایی در سطح شهر داده بود.

گرچه با اعتراض مهاجرین برگزاری این تظاهرات لغو شد ولی با این همه عده ای به مناطق مسکونی و مغازه های مهاجرین حمله کردند و بدین شکل درگیریها آغاز و بلاواسطه به شهرهای دیگر نیز سرایت کرد.

این اولین بار نیست که مهاجرین در انگلیس مورد آزار و اذیت قرار میگیرند. سال ۱۹۵۸ در لندن به مدت دوهفته درگیری و ودو خورد با مهاجرین کارائیبی که به عنوان نیروی کار برای بازسازی ویرانیهای جنگ جهانی دوم به انگلیس آورده شده بودند در جریان بود. سال ۱۹۷۶ در جریان کارناوال تابستانی لندن پلیس به جوانان سیاهپوست حمله کرد. سال ۱۹۸۱ مجدداً سیاهپوستان برعلیه سیاست نژادپرستانه پلیس و کنترل وقت و بی وقت سیاهپوستان دست به شورش زدند. سال ۱۹۹۵ نیز درگیری هایی میان جوانان آسیایی تبار و پلیس در Brandford رخ داد.

### مسببن اصلی این جنایات چه کسانی هستند

بروال معمول کلیه کشورهای اروپایی، در انگلیس نیز طبقه حاکم و در راس ان حزب کارگر تلاش نمودند تا درگیریهای میان مهاجرین و نژادپرستان را به عده ای «خرابکار» نسبت دهند و نقش خود را در بوجود آوردن چنین شرایطی کتمان کنند. طبق اظهارات تری نماینده پارلمانی حزب کارگر، «این عده ای خرابکار و شرور هستند که درگیریها را بوجود آورده اند». اما حقیقت این است که حمله به مهاجران نه مسئله تازه ای است و نه ویژه انگلیس است. طی دهه گذشته وقایع مشابه ای در اغلب کشورهای اروپایی از جمله درگیری مهاجرین در المان، فرانسه، دانمارک، سوئد، نروژ فنلاند رخ داده است. طبقه سرمایه دار انگلیس مانند بسیاری از کشورهای اروپایی به دلیل نیاز به نیروی کار برای بازسازی ویرانیها جنگ جهانی دوم و تقویت موقعیت اقتصادی خود در بازار جهانی نیروی کار مهاجر را از کشورهای مختلف بویژه کلنی های سابق خود وارد این کشور کرد، و تلاش نمود تا آنها را در محله هایی با ناچیزترین امکانات و ایزوله شده از مردم انگلیس اسکان دهد. همین سیاست در ارتباط با مهاجرینی که در شهرهای Burnly, Oldham, Brandford ساکن هستند نیز اتخاذ گردید. بطوریکه امروز مهاجرین این مناطق در محله های ویژه براساس تعلقات مذهبی، نژادی و کشوری اسکان داده شده اند و جامعه کاملاً به مناطق مهاجرنشین و بومی، مسلمان و مسیحی تقسیم شده است. با چنین تبعیضاتی، بورژوازی انگلیس کوشید تا میان مهاجرین بعنوان ارتش ذخیره کار و کارگران انگلیسی دیوار چین بکشد. با سربرآوردن بحران اقتصادی در اواخر دهه شصت و سپس اتخاذ سیاست های نئولیبرالی که به تاجریسم مشهور کشت و تا امروز نیز ادامه دارد، حمله وسیع به سطح زندگی کارگران آغاز شد و بیکاری به سطحی که پس از جنگ جهانی دوم سابقه نداشت رسید. اولین قربانیان این حملات مهاجرینی بودند که حتی در دوران رونق برای بدست آوردن کار با دشواریهای اساسی روبرو بودند. با عمومی شدن بیکارسازیها در میان طبقه کارگر انگلیس از یکسو و تبلیغات وسیع طبقه حاکم درباره هزینه هایی که صرف مهاجرین میشود عملاً زمینه برای شکل گیری راسیسم و دشمنی با خارجیان فراهم آمد. حقیقت این است که راسیسم بخشی از ایدئولوژی طبقه حاکم و در خدمت ان است. بعبارت دیگر، سیستم سرمایه

داری بدلیل تقسیم بندیهای ملی و مرزی خود و تبلیغات وسیع شوینیستی‌اش نطفه های راسیسم را در بطن خود حمل میکند. تاریخ دوران استعمار سرمایه داری که در جریان آن بخش وسیعی از مردم تحت عنوان انسانهای وحشی و دارای نژاد پست قتل عام شدند و یا عروج فاشیسم، نازیسم، استالینیسم و مائوئیسم برای درهم شکستن جنبش کارگری گواه این حقیقت اند.

امروز نیز سرمایه داری تلاش میکند تا با علم کردن دسته های فاشیستی، ازادگذاشتن دست آنها در ضرب و شتم مهاجرین و ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه ازیکسو و تقویت تغلقات ملی، نژادی و مذهبی در میان مهاجرین از سوی دیگر توجه کارگران را از مبارزه برعلیه مسببن اصلی اوضاع کنونی یعنی سیستم سرمایه داری منحرف کند. بدین ترتیب، بورژوازی با ایجاد سردرگمی در میان استثمار شوندهگان میکوشد تا بخشی از آنان و دیگر اقشار اجتماعی را برای دفاع از دولت و نظم موجود بسیج نماید.

طبقه کارگر بدلیل کارکتر اجتماعی سیاسی خود تنها نیرویی است که میتواند از طریق برچیدن سرمایه داری نه فقط به حیات راسیسم و فاشیسم بلکه به تمام نابرابری‌هایی که از این سیستم غیرانسانی ریشه میگیرند، پایان دهد.